

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ی علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی جامعه شناسی

عنوان:

بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی / ملی)

تحلیل گفتمان هویت قومی / ملی

(نخبگان استان کردستان)

استاد راهنما : دکتر محمد عبداللهی
استاد مشاور : دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی

دانشجو : سمیه رحمانی

شهریور ۱۳۸۸

تقدیم به نخبگان کرد
آنانی که از سر لطف، گفتگو با من را پذیرفتند.

از مادر و پدر مهربانم و خواهر عزیزم سروه
که در به‌انجام‌رساندن این پایان‌نامه یاری‌ام
دادند، بی‌نهایت سپاسگزارم

چکیده

هویت اجتماعی و شناخت گفتمان‌های هویتی یک جامعه، نظم‌های گفتمانی گوناگون، نحوه‌ی تولید و بازتولیدشان در برابر قدرت حاکم و نیز در رابطه‌شان با میدان سیاست، امری ضروری برای مطالعات جامعه‌شناختی به شمار می‌رود. شناخت گفتمان هویتی نخبگان یک جامعه به علت تأثیرگذاریشان بر افکار عمومی و همچنین بررسی این شناخت با قبول بیش‌آهنگ بودن تفکرات آنان، پیش‌بینی تحولات اندیشه و هویت در جهان آینده را به دست می‌دهد. پایان‌نامه‌ی حاضر در سنت مطالعات جامعه‌شناسی و با استفاده از روش تحلیل کیفی گفتمان از طریق ابزار مصاحبه، به دنبال بررسی و شناخت گفتمان حاکم بر نگرش هویت قومی و ملی نخبگان کرد (استان کردستان)، شناسایی محتوای ساخت گفتمانی آن در رابطه با حاکمیت و نیز مقایسه‌ی درون‌گروهی نظم گفتمان آنان است. یافته‌های تحقیق بر درون‌مایه‌ی فرهنگی گفتمان اغلب این نخبگان همراه با اتخاذ هویت مقاومت در برابر حاکمیت دلالت می‌کند. همچنین هویت قومی بر هویت ملی آنان برتری داشته و در کل چهارنوع نظم گفتمانی متفاوت را به خویش اختصاص داده است. گفتمان اسلامی با دو رویکرد اسلامی/ قومی و رویکرد اسلامی، گفتمان هنری با دو رویکرد هنری و قومی/ فرهنگی، گفتمان علمی با اتخاذ دیدگاهی واقع‌نگرانه از هویت قومی و گفتمان سوسیالیستی با رویکردی انسانی/ قومی. براساس یافته‌های تحقیق طبقه‌بندی‌های دیگری بر حسب مولفه‌های هویت قومی و یا ملی نیز صورت گرفته است. نتیجه‌ی نهایی اینکه گفتمان هویتی هرفردی در رابطه‌ای دوسویه با رویکرد و جهان‌بینی غالب وی و در ارتباط با میدان قدرت (سیاست) قرار دارد.

واژگان کلیدی؛ هویت اجتماعی، گفتمان، نخبگان

فصل ۱: کلیات تحقیق

۲	طرح مسئله.....
۴	اهداف تحقیق.....
۴	ضرورت و اهمیت موضوع.....
۶	سؤال ها یا فرضیه های اصلی تحقیق.....
۶	تعریف مفاهیم اصلی تحقیق.....

فصل ۲: ادبیات مفهومی و مبانی نظری

بخش اول : مرور منابع تاریخی

۱۰	مقدمه
۱۰	مقدمه
۱۱	نخبگان کردستان ایران وناسیونالیسم قومی.....
۲۴	جمع بندی.....
۲۴	گونه شناسی
۲۴	۱. شیوخ ، آغا ، سران قبایل ، مفتی ، ملا ، سادات.....
۲۵	۲. ناسیونالیست های کرد
۲۶	۳. نخبگان ادبی.....
۲۷	۴. نخبگان غیر ناسیونالیست.....
۲۷	ویژگی های گفتمانی
۲۸	سخن آخر
۲۸	مروری بر تحقیقات پیشین.....

بخش دوم : هویت

۳۴	مفهوم شناسی.....
۳۴	مفهوم شناسی.....
۳۵	هویت فردی و اجتماعی.....
۳۷	هویت از منظری تاریخی.....
۳۹	کارویژه های هویت.....
۴۰	انواع هویت جمعی (قومی ، ملی)
۴۰	هویت قومی.....
۴۲	هویت ملی.....
۴۵	نظریه های قومیت و ملیت.....
۴۷	رویکردهای نظری هویت جمعی.....
۴۸	ساختارگرایی تکوینی بی یر بوردیو.....

.....	سرمایه
۵۱.....	میدان و فضای اجتماعی
۵۲.....	قدرت ، سلطه و خشونت نمادین
۵۳.....	جامعه ی شبکه ای
۵۴.....	هویت از دیدگاه کاستلز
۵۸.....	هویت و مدرنیته متأخر آنتونی گیدنز
۶۰.....	ویژگی های مدرنیته
۶۲.....	هویت شخصی
۶۳.....	قومیت ، ملیت و هویت شخص
۶۴.....	هویت اجتماعی ریچارد جنکینز
۶۵.....	ورود به جامعه
۶۶.....	گروه ها و رده ها
۶۷.....	نمادینه و نهادینه کردن هویت
۶۹.....	نخبگان
۶۹.....	مفهوم شناسی
۷۱.....	نقش و جایگاه نخبگان
۷۴.....	نخبگان و هویت اجتماعی
۷۵.....	بخش سوم : گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی
۷۵.....	مفهوم شناسی گفتمان
۷۷.....	رویکردهای تحلیل گفتمان
۸۱.....	جمع بندی
۸۱.....	میشل فوکو و گفتمان
۸۳.....	گفتمان و جامعه
۸۵.....	گفتمان و قدرت
۸۶.....	تبار شناسی
۸۸.....	گفتمان و ایدئولوژی
۹۱.....	گفتمان و نگرش
۹۲.....	چارچوب نظری تحقیق
۹۷.....	نخبگان
۹۷.....	جمع بندی
	فصل ۳ : روش تحقیق
۹۹.....	معرفی روش
۱۰۰.....	روش تحلیل گفتمان

۱۰۱	الگوی تحلیلی تئون ون دایک
۱۰۲	رو ساخت‌ها
۱۰۳	معنا شناسی متن
۱۰۳	معناشناسی موضعی
۱۰۳	انسجام موضعی و کلی
۱۰۴	مفاهیم ضمنی
۱۰۴	رتوریک
۱۰۴	روش استخراج داده‌ها
۱۰۶	پایایی روایی
۱۰۷	ساختار تحلیل

فصل ۴ : تحلیل داده‌ها

متن اول

۱۱۰	چشم انداز اولیه
۱۱۱	مولفه‌های هویت قومی (هویت کردی)
۱۱۲	مولفه‌های هویت ملی (هویت ایرانی)
۱۱۲	مفاهیم ضمنی
۱۱۴	معناشناسی متن
۱۱۴	جایگاه و اولویت‌بندی هویتی
۱۱۸	ساختارهای نمادین و نهادین نظم اجتماعی
۱۲۰	بازنمایی قدرت رسمی حاکم
۱۲۱	جمع بندی و نتیجه گیری

متن دوم

۱۲۳	چشم انداز اولیه
۱۲۴	مولفه‌های هویت قومی (هویت کردی)
۱۲۵	مولفه‌های هویت ملی (هویت ایرانی)
۱۲۵	رتوریک
۱۲۶	مفاهیم ضمنی
۱۲۷	معناشناسی متن
۱۲۷	جایگاه و اولویت‌بندی هویتی
۱۲۹	ساختارهای نمادین و نهادین نظم اجتماعی
۱۳۰	بازنمایی قدرت رسمی حاکم
۱۳۱	جمع بندی و نتیجه گیری

متن سوم

چشم انداز اولیه	۱۳۳
مولفه‌های هویت قومی (هویت کردی)	۱۳۳
مولفه‌های هویت ملی (هویت ایرانی)	۱۳۴
رتوریک	۱۳۵
مفاهیم ضمنی	۱۳۵
معناشناسی متن	۱۳۶
جایگاه و اولویت‌بندی هویتی	۱۳۶
ساختارهای نمادین و نهادین نظم اجتماعی	۱۳۹
بازنمایی قدرت رسمی حاکم	۱۴۰
جمع بندی و نتیجه گیری	۱۴۱

متن چهارم

چشم انداز اولیه	۱۴۳
مولفه‌های هویت قومی (هویت کردی)	۱۴۴
رتوریک	۱۴۵
مفاهیم ضمنی	۱۴۵
معناشناسی متن	۱۴۶
جایگاه و اولویت‌بندی هویتی	۱۴۶
ساختارهای نمادین و نهادین نظم اجتماعی	۱۴۹
بازنمایی قدرت رسمی حاکم	۱۵۰
جمع بندی و نتیجه گیری	۱۵۱

متن پنجم

چشم انداز اولیه	۱۵۲
مولفه‌های هویت قومی (هویت کردی)	۱۵۳
مولفه‌های هویت ملی (هویت ایرانی)	۱۵۴
رتوریک	۱۵۵
مفاهیم ضمنی	۱۵۵
معناشناسی متن	۱۵۵
جایگاه و اولویت‌بندی هویتی	۱۵۵
ساختارهای نمادین و نهادین نظم اجتماعی	۱۵۷
بازنمایی قدرت رسمی حاکم	۱۵۸
جمع بندی و نتیجه گیری	۱۵۹
جمع بندی یافته‌ها	۱۶۰
مولفه‌های گفتمان هویت قومی و ملی نخبگان کرد و رابطه‌ی آنها با همدیگر	۱۶۰

۱۶۱.....	طبقه‌بندی مولفه‌های هویت قومی
۱۶۱.....	دسته‌ی اول.....
۱۶۳.....	دسته‌ی دوم.....
۱۶۳.....	دسته‌ی سوم.....
۱۶۸.....	مولفه‌های هویت ملی (ایرانی).....
۱۶۳.....	دسته‌ی دوم.....
۱۶۳.....	دسته‌ی سوم.....
۱۶۸.....	مولفه‌های هویت ملی (ایرانی).....
۱۶۹.....	اولویت‌بندی هویتی (طبقه‌بندی).....
۱۶۹.....	دسته‌ی اول.....
۱۷۳.....	دسته‌ی دوم
۱۷۵.....	دسته‌ی سوم
۱۷۷.....	نتیجه
۱۷۸.....	بازنمایی قدرت رسمی حاکم.....
۱۷۹.....	ساختارهای نمادین و نهادین نظم اجتماعی
۱۸۰.....	مقایسه‌ی درون گروهی نوع گفتمان و نظم گفتمان قومی و ملی نخبگان کرد.....
۱۸۴.....	جایگاه اجتماعی و گفتمان هویتی

فصل ۵ : نتیجه‌گیری

۱۹۵.....	نتایج نهایی تحقیق
۱۹۵.....	بررسی و شناخت گفتمان قومی و ملی نخبگان کرد و محتوای ساخت گفتمانی آن.....
۱۹۸.....	مقوله بندی.....
۲۰۰.....	پیشنهادات و محدودیت‌های تحقیق.....
۲۰۱.....	منابع و مآخذ.....

فهرست جدول‌ها

۱۹۱.....	جدول شماره‌ی ۱-۴: مولفه‌های هویت قومی.....
۱۹۲.....	جدول شماره‌ی ۲-۴: مولفه‌های هویت ملی.....
۱۹۳.....	جدول شماره‌ی ۳-۴: اولویت بندی هویتی.....

فصل ۱

کلیات تحقیق

طرح مسئله

مفهوم هویت و هویت‌یابی، از مفاهیم عمده و مورد توجه جامعه‌شناسان - کلاسیک و معاصر - است. اگر بررسی این مفهوم به طور ضمنی و پنهانی در کار جامعه‌شناسان کلاسیک وجود دارد، امروزه به مسئله‌ی اصلی بیشتر جامعه‌شناسان تبدیل شده است. در نگاه کلی و اولیه می‌توان چنین امری را ناشی از دگرگونی و تغییرات اجتماعی سریع و مداومی دانست که جامعه‌ی کنونی با آن روبرو است. اما با تأملی بیشتر، هم هویت و معنای مفهومی آن را دارای پیچیدگی‌ها و لایه‌های بی‌شمار، و هم مواد و مصالح برساختن آن و متغیرهای تأثیرگذار بر آن را گوناگون می‌یابیم. بالاخص آن‌که هرگونه منبع هویتی هنگامی سرچشمه‌ی معنا و برانگیزاننده‌ی کنش است که توسط افراد درونی گردد و باز به وسیله‌ی همین کنشگران و عاملان اجتماعی ساخته و بازساخته شود و نیز در نتیجه‌ی چنین فرایندهای اجتماعی‌ای تعدیل شده و مورد بازبینی قرار گیرد. از تفاوت‌های بینش کنونی جامعه‌شناسی با جامعه‌شناسی کلاسیک، در توجه و دخالت دادن بیش از پیش عاملان انسانی و کنشگران اجتماعی در ساخت و تنظیم مولفه‌های هویتی و ساخت‌های معنادار اجتماعی نهفته است. در واقع این کنشگران اجتماعی هستند که با استفاده از تاریخ، جغرافی، زیست‌شناسی، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره‌ی جمعی، الهامات دینی و البته در بستر روابط قدرت، هویت اجتماعی خویش را مطابق با الزامات اجتماعی‌ای که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی - مکانی آن‌ها دارد، ساخته و یا از نو تنظیم می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۴).

در ارتباط با مسئله‌ی هویت و معنا و ابعاد متفاوت آن، نه می‌توان قایل به برداشت ازلی و طبیعی‌گرایانه بود که بر جنبه‌ی جهان‌شمول و اصیل موضوع تکیه می‌کنند (چنین گرایشی نمی‌تواند مورد قبول جامعه‌شناسی باشد) و نه می‌توان همانند دیدگاه ابزارگرایی، تأثیر مطلق و بی‌چون و چرای نخبگان یک جامعه در جهت‌دادن به تفکر و اندیشه‌ی فرد را پذیرفت. بر اساس این اصل که، معنا و نگرش‌های هویتی هر فردی در تعامل با دیگر اعضا در اجتماع شکل گرفته و از طریق کنش و واکنش‌های میان عوامل متعدد و متنوع اجتماعی (و نه جهان‌شمول)، مورد بازبینی قرار می‌گیرد؛ می‌توان قایل به نقش تأثیرگذار نخبگان اجتماعی بود.

نخبگان اجتماعی، قشر متمایزی از کنشگران اجتماعی در هر جامعه هستند که به سبب توانمندی‌های خاص خود و ویژگی‌های نخبگی‌شان که خود آن را کسب کرده و جامعه نیز تأیید نموده است، اثر تعیین‌کننده‌ای بر فرایندها و تحولات اجتماعی دارند. به عنوان نمونه، می‌توان به فرایندهای هویت و معنا‌یابی اجتماعی و فرایندهایی که طی آن افراد بر وجه تشابه و تفاوت خویش با دیگران صحنه می‌گذارند و به این وسیله، به هویت خاص خویش معنا می‌بخشند، اشاره نمود. به بیان

دیگر، فرایند معنایابی و معنابخشی اجتماعی - فرایندهای هویتی - در خلاء صورت نمی‌گیرد، بلکه فرایندی اجتماعی است که جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نبوده و تحت تأثیر دیگران مهم و یا کنشگران اجتماعی خاصی قرار گرفته و درونی می‌گردد که از قدرت، اقتدار و یا منابع بیشتری برخوردار باشند. در واقع نخبگان هر جامعه‌ای به عنوان گروه‌های سازمان‌یافته و یا غیر سازمان‌یافته‌ی اجتماعی، کسانی هستند که در میدان‌های اجتماعی مختلف با برخورداری از انواع سرمایه و بنابراین قدرتی که پیدا می‌کنند، می‌توانند با داشتن تصویری از سیاست زندگی و یا سیاست رهایی بخش، آنگونه که گیدنز توضیح می‌دهد، بیشترین تأثیر را بر روند تحولات و نحوه‌ی تعریف و بازتعریف ابعاد هویتی آن جامعه‌ی خاص داشته باشند. این امر، در جامعه‌ی ای به لحاظ قومی و مذهبی متکثر، نمود واضح‌تری دارد.

امروزه مطالعات قوم‌شناسی به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی و... تبدیل شده است. به دلیل چند فرهنگی بودن بیشتر جوامع کنونی، نه تنها از فرایندهای هویت‌یابی، تعلق قومی و پیامدهای آن در زندگی روزمره و تأثیر آن بر حیات سیاسی یک جامعه کاسته نشده که حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز به یکی از مباحث چالش‌برانگیز تبدیل شده است.

ایران جامعه‌ی ای چند قومی و از نظر مذهبی و دینی متکثر است. لایه‌های هویتی چندگانه و متفاوتی در حیات اجتماعی کنشگران اجتماعی نقش دارند که گزینش هرکدام و یا نحوه‌ی ترکیب آنها با همدیگر، گونه‌های هویتی متفاوتی می‌آفریند و یا مؤلفه‌های حاکم بر گفتمان هویتی جامعه را در معرض فرایندهای تثبیت و تغییر قرار می‌دهد. بدین صورت، می‌تواند در دوره‌های زمانی و مکانی خاصی، به پیدایش گفتمان‌های متفاوت و متنوع ملی، قومی، مذهبی و... منجر شود. در چنین فضای اجتماعی‌ای، مطالعه‌ی اکتشافی از نگرش نخبگان قومی به تشخیص مؤلفه‌های حاکم بر پیدایی گفتمان‌های متمایز هویتی کمک می‌کند و پژوهشگر را با بازنمودهای اجتماعی و بازتولید گفتمانی شناسایی اجتماعی آشنا می‌سازد. در نتیجه، خطوط تشابه و تفاوت درون گفتمان و برون گفتمان آشکار می‌گردد و نیز محتوای گفتمانی آن، که یا گفتمان درونی‌شده‌ی مسلط و مورد قبول حاکمیت، و یا گفتمان مقاومتی است که فرایندهای تغییر اجتماعی را در خود نهفته دارد و یا ترکیبی از این دو، روشن می‌شود؛ به دلیل آنکه، تفاوت قومی یکی از مرزهای آشکار جداکننده‌ی انواع گفتمان‌های هویتی جامعه‌ی ایران است، تأکید اصلی این پژوهش، شناخت فضای گفتمانی مسلط بر هویت قومی نخبگان کرد در کردستان ایران و نیز عوامل تأثیرگذار بر آن است و در همین راستا، هویت ملی آنها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر، تلاش در جهت بررسی و شناخت گفتمان حاکم بر نگرش هویت قومی و ملی نخبگان کرد، شناسایی محتوای ساخت گفتمانی آن - گفتمان مقاومت (گفتمان منتقد حاکمیت و در برابر آن) و یا گفتمان درونی شده‌ی حاکم - و نیز شناسایی و بررسی جایگاه‌ها و فضاهای اجتماعی متفاوت مؤثر بر نگرش هویتی آنان است. در نهایت چنین تحقیقی می‌تواند دارای اهداف فرعی‌ای نیز چون مقایسه‌ی درون‌گروهی نوع گفتمان و نظم گفتمانی نخبگان کرد، با تأکید بر هویت قومی / ملی آنان باشد.

ضرورت و اهمیت موضوع

« زندگی اجتماعی انسان بدون وجود راهی برای دانستن این‌که دیگران کیستند و بدون نوعی درک از این‌که خود ما کیستیم غیر قابل تصور است. » (جنکینز : ۱۳۸۱) در واقع بدون ادراک هویت اجتماعی، روابط معنادار فرد با دیگری غیرقابل تصور می‌شود. به دلیل بنیادی بودن مقوله‌ی هویت و هویت یابی اجتماعی، در شناخت جامعه و در نتیجه، در رویارویی با مشکلات ناشی از تغییرات اجتماعی است که شناخت از گفتمان‌های هویتی جامعه، با همه‌ی وسعت مفهومی غیرقابل تصورش، امری ضروری برای مطالعات جامعه‌شناختی به شمار می‌رود. با مطالعات هویت است که می‌توان جامعه را شناخت و از تغییرها و تحول‌های آن به درک روشنی رسید، و مهم‌تر آنکه، به دلیل ارتباط متقابل میان گفتمان و شناخت اجتماعی، با مطالعات گفتمانی می‌توان از درون‌مایه‌ی اصلی بازنمودهای اجتماعی، چون مقولات اساسی هویت قومی و ملی، و باز تولید آن‌ها در جامعه آگاهی یافت.

هویت قومی و ملی از جمله هویت‌های موجود جوامع بشری هستند که در جهان کنونی ما و در بسیاری از جوامع و کشورها، برخلاف انتظار صاحب نظران جامعه‌ی مدرن، خیزش‌ها و جنبش‌های متعددی را موجی گردیده، و باعث به وجود آمدن طیف وسیعی از تضادها، منازعات و ستیزه‌ها گشته است. به همین دلیل، مطالعه‌ی و بررسی همدلانه‌ی این پدیده در فهم بیشتر آن و جلوگیری از عواقب ناگوارش تأثیر فراوان دارد. «کشمیری‌ها، سیک‌ها، هوتوبی‌ها، توتسی‌ها، شیعیان، هزاره‌ای‌ها، تاجیک‌ها، ازبک‌ها، ببرهای تامیل، اهالی تیمور شرقی، کردها، سندی‌ها، پنجابی‌ها، صرب‌ها، کروات‌ها [...] و [...] درگیر چالش‌ها و کشمکش‌های گوناگون از سطحی و کم‌عمق تا به صورت عمیق و پرشدت با دولت‌های حاکم و یا با اقوام رقیب شده‌اند» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۴۴۵). اگر بپذیریم که هر قدرتی، مقاومت در برابر خویش را می‌سازد و همچنین نیرومندترین عامل

قدرت در جهان کنونی را دولت‌ها و ایدئولوژی‌های آنان تشکیل می‌دهد، طبیعی است که برخی از هویت‌های قومی می‌توانند به عنوان گفتمانی از نوع مقاومت نیز نگریسته شوند. در نتیجه، شناخت ساختار مقاومت و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن در روبه‌رو شدن و تعامل با آن اهمیت بسیاری دارد. ذکر این نکته لازم است که با توجه به ویژگی سیال و منعطف هویت، تلاش قدرت برای محدود کردن آن و متصلب نمودنش همواره با موفقیت مواجه نمی‌شود.

نوع نگرش نخبگان در هر جامعه، تاثیر بسیاری بر نوع نگرش افراد در آن جامعه دارد. نخبگان جامعه در آگاه کردن و آگاه شدن افراد از وجود نابرابری‌های اجتماعی و شناخت از وضعیتی که در آن قرار دارند؛ نقش موثری دارند. به بیان دیگر، آن‌ها می‌توانند نگرش خویش را درباره‌ی سیاست‌زدگی و سیاست‌رهایی بخش به افراد جامعه منتقل نمایند. البته، خود این نخبگان نیز تحت تاثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و تاریخی خاص جامعه‌ی خویش‌اند و نگرش آن‌ها نیز، همواره، مورد بازبینی قرار خواهد گرفت. چنین برداشت پویا و دینامیک، از رابطه‌ی میان نخبگان و اعضای یک جامعه است که به توصیف و تبیین نوع نگرش آنان به هویت و نیز شناسایی فضای گفتمانی‌ای که در آن قرار گرفته‌اند؛ اهمیت پژوهشی می‌بخشد.

در کردستان ایران، دو متغیرشناخته شده و به ظاهر آشکار قومیت و مذهب، در چارچوب متغیرهای گوناگون ملی و جهانی، به گونه‌ای در هم‌بافته بر فرایندهای هویتی جامعه اثر می‌گذارند. و به علت قرار گرفتن در شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و حتی سرزمینی خویش، منابع هویتی و باز تعریف آن‌ها و در نتیجه، نگرش‌های خاص هویتی افراد، همیشه مورد چالش قرار گرفته و حتی زمینه‌ساز انواع بحران‌های قومی، مذهبی و ملی می‌شوند. در چنین شرایطی، شناسایی گفتمان قومی و سپس، ملی نخبگان کرد، به عنوان سرآمدان جامعه، دارای اهمیت است. توجه به این نکته لازم است که به دلیل در اقلیت قرار داشتن و یا در مواردی، در موضع ضد قدرت حاکم بودن نخبگان کرد، از توجه به نگرش آن‌ها غفلت شده است، و یا نگرش نخبگان مختلف با دیدگاه‌های متفاوت دیده نشده و نظراتشان در تحلیل‌ها یکسان بازتاب داده می‌شود. چنین پژوهشی با هدفی اکتشافی و با شناسایی ابعاد متفاوت گفتمانی موضوع و نیز دیدگاه‌ها و معانی کانونی متفاوت گفتمان نخبگان کرد، ما را با تغییر و تحولات جامعه نیز آشنا کرده و از روند تغییرات آن در آینده درک روشنی به دست می‌دهد؛ چرا که وضعیت‌های اجتماعی کنونی، به ایجاد شرایط هویتی جدیدی نیز منجر می‌شوند و در نتیجه، جامعه را در معرض تعریف و بازتعریف مداوم موقعیت‌های هویتی خویش قرار می‌دهند. جامعه‌ی چند قومیتی ایران نیز در مسیر توسعه‌ی خود با چالش مسئله‌ی اقوام موجود در چارچوب سرزمینی خویش، روبرو است. تحولات به وجود آمده‌ی جدید در کردستان ایران و خیزش دوباره‌ی

گروه های مذهبی تندرو بر چنین امری صحنه می گذارد. در همین راستا ، شناخت گفتمان مسلط بر اندیشه‌ی نخبگان کرد ، می تواند از به وجود آمدن تغییرات برنامه ریزی نشده جلوگیری کرده و جامعه را در راه نیل به توسعه‌ی سیاسی کمک نماید.

سوالها یا فرضیه‌های اصلی تحقیق

- مولفه‌های گفتمان هویت قومی نخبگان کدامند و مرزهای هویتی آن با گفتمان هویت ملی آنان چگونه ترسیم شده‌اند؟
- ساختارهای نمادین و نهادین نظم اجتماعی به چه صورت در گفتمان نخبگان کرد بازنموده می‌شود؟
- گفتمان هویتی نخبگان کرد گفتمانی از نوع مقاومت است یا درونی شده‌ی گفتمان حاکم می‌باشد؟
- قدرت رسمی حاکم چگونه در گفتمان هویتی نخبگان کرد بازنمایی می‌شود؟
- نحوه‌ی بازنمایی جایگاه اجتماعی (میدان اجتماعی) در گفتمان هویت قومی / ملی نخبگان کرد به چه صورت است؟ (یا عوامل تعیین کننده‌ی موثر بر مواضع افراد با توجه به مباحث فوق کدامند؟)
- آیا معانی کانونی و نظم‌های گفتمانی متفاوت در نظرات نخبگان کرد قابل مشاهده است؟

تعریف مفاهیم اصلی تحقیق

هویت : « با رجوع به فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد در می یابیم که واژه ی هویت یا identity ریشه در زبان لاتین دارد (identitas که از idem یعنی « مشابه و یکسان» ریشه می گیرد .) و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است : این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد . » (جنکینز : ۱۳۸۱) در تعریف کاستلز هویت عبارت است از : « فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه بهم پیوسته‌ای از ویژگیهای فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود. » (کاستلز: ۱۳۸۴)

هویت اجتماعی : « این عبارت به شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می شوند اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها، و میان افراد و جماعت‌ها است . » (جنکینز:

(۱۳۸۱) « افراد جامعه ، این هویت جمعی را در فرایند اجتماعی شدن و زندگی در جامعه کسب می‌کنند و نوع هویت جمعی آنان بستگی به نوع ارتباطی دارد که آنان به تبع نظام شخصیتی خویش و در بستر یک نظام اجتماعی مشخص با جامعه خود برقرار می‌کنند. » (عبداللهی : ۱۳۸۲)

هویت قومی : به نظر برتون ارائه‌ی تعریف دقیقی از هویت قومی کاری است مشکل زیرا : « گروه‌های اجتماعی و قومی در واقع در مقوله «مجموعه‌های گنگ» جای می‌گیرند، یعنی مجموعه‌هایی که هر یک از عنصر آنها را نمی‌توان همواره در این یا آن زیر مجموعه طبقه‌بندی کرد. » (برتون : ۱۳۸۰)

الطایی ابتدا واژه‌ی قوم را اینگونه تعریف می‌کند : تعریف قوم : « قوم (ethnic group) با توجه به قومیت (= ethnicity): قوم یک گروه انسانی نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌ای در چهارچوب یک شاخه بزرگ نژادی برخوردار است، به قسمی که حتی از دیگر گروه‌های نژاد خود قابل تشخیص و تفکیک می‌گردد. به همین دلیل گاهی همین گروه قومی به معنی گروه ملی (National group) یا معادل آن در می‌آید. » و سپس چنین تعریفی از هویت قومی می‌دهد : « هویت قومی مجموعه خاصی از عوامل عینی و ذهنی فرهنگی و اجتماعی و عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروهها متمایز می‌سازد؛ زیرا که این هویت باید با واقعیت همان گروه منطبق باشد. » (الطائی : ۱۳۸۲)

« مهم‌ترین خصوصیات یک قوم را می‌توان در موارد زیر دانست :

- نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره ای
- نام مشترک
- سرزمین مشترک
- زبان مشترک
- فضاهای مشترک زیستی
- رسوم و آداب مشترک
- ارزش‌های مشترک
- احساس تعلق به یک گروه واحد . » (برتون، ۱۳۸۰: ۲۳۵)

نخبه : « نخبگان اشخاص و گروه‌های هستند که در نتیجه‌ی قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که برجای می‌گذارند، یا به وسیله‌ی تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند و یا به وسیله‌ی ایده‌ها، احساسات و یا هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه ای مؤثر واقع می‌شوند. و

این تعریف نسبتاً با مفهوم نخبگان مصطلح در جامعه شناسی معاصر مطابقت می نماید. « (گی روشه : ۱۳۸۱).

گفتمان : « گفتمان هم صورتی خاص از کاربرد زبان است و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی ؛ گفتمان یک رویداد ارتباطی کامل در یک موقعیت اجتماعی است چون به لحاظ تجربی معنای گفتمان یک ساختار ادراکی است ، در نتیجه گفتمان نه تنها شامل مشخصه‌های مشهود کلامی و غیر کلامی و تعاملات اجتماعی و کنش‌های کلامی می شود، بلکه علاوه بر آن شامل آن دسته از بازنمودهای شناختی و راهبردهایی نیز می شود که در جریان تولید و ادراک گفتمان ایفای نقش می کنند » (ون دایک : ۱۳۸۲).

فصل ۲

ادبیات مفهومی و مبانی نظری

بخش اول : مرور منابع تاریخی

مقدمه

مسئله ی کردستان و کردها ، از جمله مسائلی هستند که در سده ی اخیر، توجه بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است ؛ و نوشته های بسیاری در حوزه های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی در این باره به رشته ی تحریر در آمده اند. نخبگان و رهبران کرد ، بالاخص آن نخبگان تأثیر گذاری ، که به طور مشترک در بیشتر این آثار به آنها پرداخته شده ، بخش مهمی از اینگونه نوشته ها را تشکیل می دهند.

بیشتر این تحقیقات توسط موسسات کردشناسی در کشورهای غربی صورت گرفته و در واقع نوشته های پژوهشگران بومی (ایرانی، فارس و حتی کرد زبان) بخش اندکی از چنین تحقیقاتی را شامل می شوند. همچنین، ویژگی دیگر این نوشته ها، برخورد با مسئله ی کرد های ترکیه، عراق، سوریه، ایران و شوروی سابق در یک کار پژوهشی واحد است. به بیان دیگر، تحقیق جامع و جداگانه ای درباره ی کردهای ایران - بالاخص بعد از انقلاب اسلامی - به غیر از چند پژوهش اندک در رابطه با حوادث سالهای ۴۶ - ۴۵ و ۱۹ و تشکیل جمهوری مهاباد و نیز سالهای اول بعد از انقلاب ، صورت نگرفته است. برخی از این کتب، تحقیقات مردم شناسانه و جامعه شناسانه ای است که در نتیجه ی مشاهدات مستقیم افراد نگاشته شده اند. برخی دیگر تحقیقات تاریخی و توصیفی صرف هستند. معرفی مشاهیر و تاریخ زندگی آنها ، بدون هیچ نوع تحلیل و توضیحی ، از دیگر کتابهای این زمینه هستند. نویسندگان و محققین چنین کتابهایی را ، می توان در چند دسته قرار داد: یا سیاحان و جهانگردان خارجی ای هستند که به علت علاقه ی شخصی خویش به منطقه آمده اند، یا افراد وابسته به حکومت های استعماری پیشین هستند ، همچنین در میان نویسندگان دهه های اخیر ، بیشتر خبرنگاران، روزنامه نگاران ، جامعه شناسان و مردم شناسانی قرار دارند که نتیجه ی مطالعات تاریخی و نیز مشاهدات و مصاحبه های مستقیم خود را به صورت کتبی در آورده اند. نویسندگان بومی ، طیف متنوعی از ، وابستگان به حاکمیت ، جامعه شناسان ، عالمان سیاسی و نویسندگان کردی که خود از نزدیک با برخی از وقایع برخورد داشته اند؛ را شامل می شود.

استفاده یا عدم استفاده از یک دیدگاه نظری منسجم و واحد از دیگر نکات بسیار بااهمیت چنین تحقیقاتی است. در اغلب این پژوهش ها که به مسئله ی حساس هویت قومی و ملی کردها پرداخته اند ، استفاده از یک دیدگاه نظری راهنما و در نتیجه قابل پیگیری توسط مخاطب و خواننده دیده نمی شود. در بیشتر موارد، مفاهیم بنیادی و اولیه ی کتاب تعریف نشده اند و دیدگاه نظری نویسنده در باره ی قومیت و

ملیت مبهم باقی می ماند. در کتابهای تاریخی و توصیفی صرف این مسئله به طور واضح دیده می شود، هرچند در کتابهایی که با رویکردی مردم شناسانه نوشته شده اند، بیان جزئیات توسط نویسندگان بر دقت مطلب می افزاید، اما فقر نظری و مفهوم پردازی همچنان وجود دارد.

در میان این تحقیقات انجام گرفته، آن کتابها و پژوهش هایی که دارای دقت نظری و مفهومی بیشتری هستند و علاوه بر توصیف امور با دیدی جامعه شناسانه و سپس مردم شناسانه انجام شده اند از اهمیت بیشتری برخوردارند. همچنین اولویت با پژوهش هایی است که توسط نویسندگان و محققان بومی و به لحاظ زمانی نزدیکتر به زمان حاضر صورت گرفته باشد. سپس کتاب هایی که توسط محققان خارجی ای که خود از نزدیک جامعه کردستان و شرایط خاص آن را مطالعه نمود ه اند، مورد توجه قرار گرفته است. به کتابهای تاریخی صرف، تا جایی اهمیت داده می شود که بتوان از لابه لای مطالب نوشته شده، به شرایط اجتماعی مورد بررسی، ویژگی نخبگان کرد و روابط آنها با همدیگر پی برد.

نخبگان هر جامعه از جامعه ای که از آن بر می خیزند، قابل تفکیک در معنای جامعه شناختی خود نیستند. چنین امری به معنای نادیده گرفتن تأثیرات جوامع بیرونی در طول تاریخ - در جوامع سنتی کمتر و اکنون به دلیل فرایندهای جهانی شدن بیشتر- نیست. و با توجه به اینکه چنین تأثیراتی به دلیل توانایی و ظرفیت فردی و اجتماعی ای که نخبگان یک جامعه از آن برخوردارند، می تواند بیشتر از عامه ی مردم باشد، باز هم نمی توان نقش تعیین کننده ی جامعه ی اولیه و عوامل جامعه پذیری ابتدایی را در فرد نادیده گرفت. در ادامه ی این بخش به تصویر ترسیم شده ی نخبگان کردستان ایران و ناسیونالیسم قومی در پژوهش های جدید پرداخته می شود، تا از طبقه بندی و دیدگاه رایج نسبت به نخبگان کرد اطلاع حاصل شود.

نخبگان کردستان ایران و ناسیونالیسم قومی

در این بخش به چهار پژوهش مطرح که به کردستان ایران، ناسیونالیسم و نخبگان آن مرتبط هستند، می پردازیم. با ذکر این نکته ی مهم که، بیشتر این کتب، موضوع مورد بررسی خویش را به بحرانهای قومی در کردستان اختصاص داده اند. بدین معنا که مسئله ی مورد بررسی هیچکدام نخبگان کرد نیست بلکه، یا فقط در بخشی کلی در ضمن بیان رهیافت های بروز بحران های قومی در کلیت امر به نقش نخبگان اقوام توجه و در مثالهای تاریخی از بحران های قومی بعد از انقلاب در کردستان از افراد درگیر در آنها یاد شده است. (مقصودی . ۱۳۸۰) یا همچون (جلالی پور . ۱۳۸۵) در بیان علل پیدایش، تداوم و شکست جنبش کردی در ایران به نظرات آنها به صورت کلی تحت عنوان ناسیونالیست های کرد ارجاع داده شده و در نقد تجربه ی کردستان به ارزیابی راهبردهای پیشین و متأخر آنها پرداخته شده